



Identification of the Effective Factors on Socio-spatial Segregation; A Case Study of Fadak and Kerman Neighborhoods Located in District 8, Tehran

ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Jalilisadrabad S.**PhD*,
Shieh E.¹*PhD*,
Behzadfar M.¹*PhD*

How to cite this article

Jalilisadrabad S, Shieh E, Behzadfar M. Identification of the Effective Factors on Socio-spatial Segregation; A Case Study of Fadak and Kerman Neighborhoods Located in District 8, Tehran. *Naqshejahan-Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning. 2018;8(1):17-23*

ABSTRACT

Aims Today, the growth and expansion of cities, especially in metropolitans, has reduced the social relations of citizens and, subsequently, caused social alienation and social isolation among citizens, and has gradually diminished the identity of urban neighborhoods and their social segregation. The aim of the present study was identifying the effective factors on socio-spatial segregation and investigation in Fadak and Kerman neighborhoods located in District 8, Tehran.

Instruments & Methods The applied study was conducted in the 2016, Tehran. From the statistical population, of 49061 with household size of 3, 52 families were selected by multistagesampling method. The researcher-made questionnaire was used. The Fadak and Kerman neighborhoods were considered as sample and the amount of their segregation was measured. Factor analysis was used to investigate the effective factors in the segregation. To do better calculations with fewer indices, factor analysis reduced the number of indices to two main factors. Then, the method of factor analysis was applied to them, and the amount of segregation was calculated in the sample with the Geo Segregation Analyzer 1.2 software. Kaiser-Meyer-Olkin, Bartlett's Test, and SPSS 22 software were used.

Findings The total of the two factors explained more than 52% of the variances. The first factor explained about 36.75% of the total variance of the index set, and the next factor explained 15.67% of the variance of the indices. The amount of socio-spatial segregation in the sample was low; so, they were very similar in social, economic, and physical terms.

Conclusion There is no segregation in the Fadak and Kerman neighborhoods and these two neighborhoods and their inhabitants are very similar in social, economic, and physical terms.

Keywords Socio-spatial segregation; Factor Analysis; Arc GIS 10.5; Geo-Segregation Analyzer 1.2; Fadak and Kerman Neighborhoods

*Urbanism Department, School of Architecture & Environmental Design, Iran University of Science & Technology, Tehran, Iran

¹Urbanism Department, School of Architecture & Environmental Design, Iran University of Science & Technology, Tehran, Iran

Correspondence

Address: School of Architecture & Environmental Design, Iran University of Science & Technology, Daneshgah Street, Hengam Street, Narmak, Tehran, Iran. Postal Code: 1684613114
Phone: +98 (21)73228262
Fax: +98 (21)77240468
s_jalili@iust.ac.ir

Article History

Received: December 24, 2017
Accepted: May 15, 2018
ePublished: June 19, 2018

CITATION LINKS

[1] Urban spatial-local separation under the old texture of Mashhad city [2] Poverty and social inequality: A study on spatial separation and the focus of poverty in Tehran's residential neighborhoods [3] How to residential separation in Tehran [4] Survey of social-spatial segregation of educational, income, occupational, and ethnic groups by geo segregation analyzer software, case study: Kerman neighborhood in Tehran [5] Counteracting segregation: Swedish policies and experiences [6] The urban community as a spatial pattern and a moral order [7] plans, and policies: Essays on poverty, racism, and other national urban problems [8] Social closure and class formation. Classes, power and conflict: Classical and contemporary debates [9] Informal habitation phenomenon in Tehran's urban area, case: Bagher Shahr [10] An economic view of some causes of urban spatial segregation and its costs and benefits [11] Social polarization, economic restructuring and welfare state regims [12] Relations between deprivation and immigrant groups in large Canadian cities [13] Making the second ghetto: Race and housing in Chicago, 1940-1960 [14] American apartheid: Segregation and the making of the underclass [15] The enclave, the citadel, and the ghetto, what has changed in the post-fordist U.S. city [16] Urban segregation and governance in the Americas [17] Segregation, mistrust and minorities [18] Conditions for spatial segregation: Some European perspectives [19] Urban geography [20] Molecular characterization and response to salt stress of mRNAs encoding cytosolic Cu/Zn [21] Spatial segregation in metropolis: an analysis of social geography of Tehran metropolis [21] A look at the industrial development of cities: Ahang Sanat, Avaye Shahr

شناسایی عوامل موثر بر جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی؛ مطالعه موردی محله‌های فدک و کرمان واقع در منطقه ۸ شهرداری تهران

سمانه جلیلی صدرآباد * PhD

گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

اسماعیل شیعه PhD

گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

مصطفی بهزادفر PhD

گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

چکیده

اهداف: امروزه رشد و گسترش شهرها به‌ویژه مادرشهرها و کلان‌شهرها موجب کاهش روابط اجتماعی بین شهروندان و متعاقباً بیگانگی اجتماعی و انزوای اجتماعی شهروندان و به‌تدریج کم‌شدن هویت محله‌های شهری و جدایی‌گزینی اجتماعی آنها شده است. هدف مطالعه حاضر شناسایی عوامل موثر بر جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی و بررسی آنها در محله فدک و کرمان واقع در منطقه ۸ شهرداری تهران بود.

ابزار و روش‌ها: مطالعه کاربردی حاضر در سال ۱۳۹۵ و در تهران انجام شد. از جامعه آماری ۴۹۰۶۱ نفری با بعد خانوار ۳، ۵۲ خانوار با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته به کار رفت. محله فدک و کرمان به‌عنوان نمونه موردی مطرح و میزان جدایی‌گزینی در آنها محاسبه شد. برای بررسی عوامل موثر در جدایی‌گزینی از شیوه تحلیل عاملی استفاده شد. برای انجام بهتر محاسبات با شاخص‌های کمتر، به کمک تحلیل عاملی تعداد شاخص‌ها به دو عامل اصلی کاهش یافت. سپس شیوه تحلیل عاملی در آنها اعمال و با نرم‌افزار Geo Segregation Analyzer 1.2، میزان جدایی‌گزینی در نمونه محاسبه و آزمون‌های کیس-میرالکین، بارنتل و نرم‌افزار SPSS 18 استفاده شدند.

یافته‌ها: مجموع دو عامل بیش از ۵۲٪ واریانس‌ها را توضیح داد. عامل اول حدوداً ۳۶/۷۵٪ کل واریانس مجموعه شاخص و عامل بعدی نیز ۱۵/۶۷٪ واریانس شاخص‌ها را تبیین کردند. میزان جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی در نمونه بسیار پایین مشاهده شد، بنابراین آنها از نظر اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بسیار به هم شبیه بودند.

نتیجه‌گیری: در محله فدک و کرمان جدایی‌گزینی رخ نداده و این دو محله و ساکنان آنها از نظر اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بسیار به هم شبیه هستند.

کلیدواژه‌ها: جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی، تحلیل عاملی، Arc GIS 10.5، نرم‌افزار Geo Segregation Analyzer 1.2، محله‌های فدک و کرمان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۵

* نویسنده مسئول: s_jalili@iust.ac.ir

مقدمه

امروزه جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی، موضوع درخور توجهی در شهرها و به‌ویژه مادرشهرها است. عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، کالبدی از جمله عواملی هستند که بر ایجاد و تقویت جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی در محله‌های شهری مادرشهرها تأثیر بسزایی دارند.

در مطالعه رهنما با عنوان "جدایی‌گزینی فضایی- مکانی شهری مورد بافت قدیمی شهر مشهد" مدلی برای تعیین درجه جدایی‌گزینی فضایی- مکانی معرفی شد و برای بافت قدیمی شهر مشهد به کار رفت. وی بیان داشت که جدایی‌گزینی مسکونی در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال‌های قبل افزایش یافت و بافت قدیمی

شهر مشهد به همگنی نسبی ساختار "اجتماعی- اقتصادی" نیاز دارد^[1].

افروغ در رساله دکتری خود با عنوان "فقر و نابرابری اجتماعی: مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محلات مسکونی تهران" عوامل موثر بر جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر و آثار آن بر شکل‌گیری خرده فرهنگ جرم‌زا از طریق بررسی انتقادی آرا و نظریه‌های مختلف و همچنین با تلاشی مقدماتی برای آزمون تجربی ارتباط تمرکز فقر با شکل‌گیری خرده فرهنگ کجرو را از نظر نظری بررسی کرد^[2].

اعظم/زاده در سال ۱۳۸۱ در مقاله‌ای تحت عنوان "چگونگی جدایی‌گزینی سکونتی در شهر تهران"، جدایی‌گزینی سکونتی در تهران را مورد بررسی قرار داد و با توجه به پیامدهای گوناگون جدایی‌گزینی در شهرها، با استفاده از اطلاعات ثانویه، فرض جدایی فضایی- مکانی گروه‌های مختلف اقتصادی- اجتماعی را با استفاده از شاخص‌های آماری سنجید و در نهایت تفکیک پایگاه‌های مختلف اجتماعی و ابعاد آن را بر حسب مناطق تایید کرد^[3].

تاتکیس در فصل دوم کتاب "فضا، شهر و نظریه‌های اجتماعی- مناسبت اجتماعی و شکل‌های شهری" بیان می‌کند که فضاهای گوناگون اجتماعی و فضاهای تقسیم‌شده اقتصادی موجب بروز تفاوت و جدایی در شهرها می‌شود و شهرها الگوهای نابرابری اقتصادی و نژادی را بازتولید می‌کنند و در ادامه به توضیح جدایی فضایی و عوامل موثر بر آن می‌پردازد^[4].

آندرسون و همکاران در مطالعه‌ای با عنوان "تقابل با جدایی‌گزینی: تجربیات و سیاست‌های کشور سوئد" برخی از ویژگی‌های اساسی جدایی‌گزینی سکونتی اجتماعی- اقتصادی و قومی، در دولت رفاه سوئد را بررسی کرد و تغییرات در مسکن و دیگر سیاست‌های اثرگذار بر شرایط جدایی‌گزینی را توضیح داد. آنها در انتها سه سیاست خاص ضد جدایی‌گزینی را شناسایی و تجزیه و تحلیل کردند. این سه سیاست شامل مسکن و سیاست مخلوط اجتماعی (برای اولین بار در آغاز دهه ۱۹۷۰)، سیاست پراکندگی پناهندگان (در آغاز دهه ۱۹۸۰) و سیاست شهری مبتنی بر منطقه (در آغاز دهه ۱۹۹۰) نشان می‌دهد هر یک از سیاست‌ها موفق شده‌اند بر سطوح جدایی‌گزینی به‌طور کمی اثر بگذارند که دلایل آن ناکارآمد بودن اجرایی (سیاست مخلوط)، شکست در طراحی (سیاست پراکندگی پناهنده‌ها) یا اهداف متناقض ذاتی در سیاست (مداخلات مبتنی بر منطقه) هستند^[5].

جلیلی صدرآباد و همکاران در سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با عنوان "بررسی میزان جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی گروه‌های تحصیلی، شغلی، درآمدی و قومیتی با استفاده از نرم‌افزار Geo Segregation Analyzer، مورد پژوهی: محله کرمان در منطقه ۸ شهرداری تهران" به بررسی جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی در گروه‌های مختلف تحصیلی، شغلی، درآمدی و قومیتی پرداخته‌اند. عامل‌های مورد بررسی در این مقاله نشان‌دهنده این موضوع است که در محله کرمان میزان جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی گروه‌های تحصیلی، شغلی، درآمدی و قومیتی در حد متوسط رو به بالا رخ داده است و باید سیاست‌هایی جهت کاهش آن، اعمال نمود و گزینه این مورد سبب پدیده فراجایی‌گزینی خواهد شد و مشکلات بسیاری را برای ساکنان این محله به همراه خواهد داشت. بنابراین عواملی مانند وضعیت شغل، میزان درآمد، قومیت و سطح تحصیلات در ایجاد جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی تأثیر دارند و جزء عوامل تأثیرگذار در جدایی‌گزینی اختیاری هستند^[4].

جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی

می‌آورد که با جدایی فضایی مشاغل مختلف و گروه‌های درآمدی متفاوت مشخص می‌شود و بدین‌گونه ساخت‌یابی جدید اقتصادی منجر به قشربندی جدید اجتماعی می‌شود که این همه خود ساختار فضایی- اجتماعی شهرهای بزرگ یا جهانی و حتی روستاها را تغییر می‌دهد.^[3]

یکی از معیارهای اساسی مکان‌گزینی خانوار در جوامع سرمایه‌داری عامل درآمد خانوار است^[9]، به‌طور مثال پایین‌بودن سطح درآمد خانوارها، نوع فعالیت اقتصادی غیررسمی، ارزانی قیمت زمین و مسکن و به‌ویژه پایین‌بودن اجاره خانه از عوامل موثر بر مهاجرت اقشار کم‌درآمد به حاشیه شهرهای بزرگ است.

نظم اقتصادی یا ساختار اقتصادی که شامل سازوکار تولید، توزیع و روابط طبقاتی ناشی از آن به‌طور خاص و نظام تقسیم کار فنی و گروه‌بندی‌های توزیعی به‌طور عام می‌شود^[2]، در واقع، درجه تفکیک فضایی در شهر بیشتر تحت تاثیر انتخاب مصرف‌کننده شهری در انتخاب نوع خانه و نوع محله است^[10] که ارتباطی مستقیم با توانایی اقتصادی شهروندان برای معامله در بازار مسکن دارد.

قطبی‌شدن به این مفهوم است که شهرهای اصلی به دو گروه متخصص با درآمد بالا در مقابل توده بدون مهارت با درآمد پایین با نسبت بیشتری بین اقلیت‌های قومی تقسیم می‌شوند. در این منظر متوسط در حال نزول است^[11, 12].

ساختار سیاسی: یکی از علل ساختاری یا کالبدی جدایی‌گزینی و به‌خصوص شکل‌گیری گنوها، تابع مهاجرت‌ها در حجم گسترده، اقدامات نهادی، رفتار نهادهای خصوصی و سیاست‌های عمومی و مداخلات دولت هستند. بنابراین برخی علل ساختاری یا کالبدی جدایی‌گزینی را سیاست‌های عمومی و مداخلات دولت دانسته‌اند^[13, 14]، پس می‌توان بیان کرد که دولت و نظم ساختار سیاسی شامل میزان دخالت‌های دولت و مدیران شهری در توزیع فضا و منابع شهری و نظارت‌های رسمی بر نابرابری‌های طبقاتی، جنسی، نژادی، قومی و مذهبی است^[2].

توضیح دیگر برای افزایش جدایی‌گزینی، تغییر نقش دولت است^[15]، عموماً دو دیدگاه متفاوت نسبت به نقش دولت رفاه وجود دارد. در کشورهای انگلوساکسون، دولت بیشتر بر پایه اصول لیبرال عمل کرده و نابرابری و جدایی‌گزینی را می‌پذیرد. در قاره اروپا، دولت نقش مداخله‌گرانه‌تری را ایفا می‌کند. تفاوت‌هایی که میان این دو نوع دولت وجود دارد شامل میزان مشارکت در بازار کار، تامین اجتماعی، دسترسی به تحصیلات و مراقبت‌های بهداشتی، سیاست‌گذاری مسکن و درآمد است. تامین رفاه در این حوزه‌های متنوع سیاست‌گذاری می‌تواند مانند مانعی در برابر اثرات جداکننده نوآوری‌های فناوری و بازسازی اقتصادی عمل کند. با این حال، حتی در دولت‌های رفاهی قاره‌ای مثل سوئد و هلند، قدرت توزیع مجدد دولت دچار زوال شده است. نقش‌ها و وظایف عمومی دولت پیوسته در حال منتقل‌شدن به سازمان‌های خصوصی هستند. عموماً، شرایط سخت‌گیرانه‌ای که برای کشورهای اروپایی درباره مشارکتشان در نظام پولی اروپا وضع شده است بر قدرت خرید سیاست‌مداران و در نتیجه جاه‌طلبی اجتماعی آنها، اثر منفی دارد. نتیجه این اتفاق تا به اینجا موجب افزایش نابرابری اقتصادی در میان مردم بوده است. اینکه چطور این مساله در آینده توسعه پیدا خواهد کرد، همچنان نامشخص است. قدر مسلم آن این است که بخش‌های خصوصی مسئولیت گسترده‌تری در مبارزه با نابرابری به خود می‌گیرند. تغییر نقش دولت ابزارهای جدیدی برای این بخش‌ها فراهم می‌کند تا به‌واسطه آن به وظایف و

جدایی‌گزینی فضایی و اجتماعی یکی از مباحث اصلی جامعه‌شناسان شهری است. مکتب شیکاگو یکی از مکاتب مهم جامعه‌شناسی شهری است. این مکتب به مباحث اکولوژی شهری می‌پردازد. افرادی مانند پارک و برگس و ورت از سردمداران این مکتب هستند. این مکتب مراحل اکولوژی را به پنج مرحله شامل تراکم، تمرکز، هجوم، جدایی‌گزینی و توالی (تسلسل) دسته‌بندی کرده است. بنابراین جدایی‌گزینی فضایی (مکانی) یکی از مراحل اکولوژیک و شامل تمایل ارادی یا اجباری اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی به جدایی فیزیکی از یکدیگر در عرصه‌های مختلف زندگی است^[2]. جدایی‌گزینی فضایی در انتها به جدایی‌گزینی اجتماعی منجر می‌شود. علت این امر نقشی است که این جدایی‌گزینی فضایی در روابط اجتماعی بر عهده دارد.

بحث‌ها و استدلال‌ات صورت‌گرفته پیرامون جدایی‌گزینی هر کدام نظریه‌ای را بیان می‌کنند که می‌توان هنگام تبیین مفهوم یکپارچه‌سازی اجتماعی- فضایی از آنها استفاده کرد. اول اینکه بسیاری از نویسندگان اثرگذار در این حیطه، با جدایی‌گزینی همچون پدیده‌ای طبیعی^[6] یا اجتناب‌ناپذیر برخورد کرده‌اند^[7]. بنابراین در مورد جدایی‌گزینی فضایی نظریات مختلفی وجود دارد و هر یک از نظریه‌پردازان بر عامل خاصی تاکید کرده‌اند که در ادامه نظریات مرتبط با جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی براساس عوامل موثر بر آنها دسته‌بندی شده است.

عوامل موثر بر جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی

پارک اولین فردی است که به نقش ویژه سلطه در ایجاد فضای نابرابر اشاره می‌کند، اما او تنها سلطه اقتصادی (تجاری و صنعتی) را مورد بحث قرار داده و از سلطه سیاسی و فرهنگی، ایدئولوژیک سلطه اقتصادی مزبور برای تعیین الگوی کاربری ارضی غافل شده است^[2]. مارکس و انگلس به دنبال ارتباط فضا و طبقه هستند. آنها فضای شهری را قلمرویی می‌دیدند که فرآیندهای درهم‌تنیده انباشت سرمایه و ستیز طبقاتی در آن تمرکز می‌یابد. در شهرها گرایش سرمایه به تمرکز و گرایش طبقات اجتماعی به قطبی‌شدن عینیت و گسترش می‌یابد^[2]. به اعتقاد کاستل کارکرد نظام شهری عمدتاً اقتصادی است و آن هم معطوف به مصرف جمعی است. به تعبیرهای وی تقسیم فضایی معرف فرآیند شهری اهمیتی به اندازه تقسیم فضایی کار دارد^[2]. وی پال می‌گوید مهم‌ترین فرآیند در شهر، فرآیند توزیع منابع کمیاب شهری است که فضا یک عنصر مهم آن است. اگرچه منابع شهری همیشه به‌طور نابرابر توزیع می‌شوند، چگونگی توزیع آنها عمدتاً معلول رفتار کسانی است که موقعیت‌های استراتژیک در نظام اجتماعی را اشغال می‌کنند. بنابراین منطقه توزیع فضایی عمدتاً منشایافته از منطق و الگوی اجتماعی توزیع است^[2]. از نظر پارکین تمام این گروه‌بندی‌های مختلف طبقاتی، منزلتی، جنسی، نژادی، قومی و مذهبی به‌نوعی گروه‌بندی‌های نابرابر قدرت هستند که بر سر دستیابی به منابع و فرصت‌ها از طریق فرآیند انسداد مبارزه می‌کنند^[8]. لوفور بر ماهیت و نقش سیاسی و ایدئولوژیک فضا تاکید دارد و بیان می‌کند که این توزیع قدرت در جامعه و شهر است که شیوه دستیابی به منابع کمیاب و مطلوب و در نتیجه ستیز بین گروه‌ها برای دسترسی به این منابع را تامین می‌کند^[2].

عوامل و نیروهای اثرگذار بر شکل‌گیری جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی به شرح زیر هستند.

ساختار اقتصادی: تغییر ساختار اقتصادی و به‌دنبال آن تغییر در بازار کار به‌عنوان یکی از عوامل مهم در تغییر ساختار اجتماعی فضایی و گسترش بخش خدمات، قطبی‌شدن اجتماعی را به وجود

مسئولیت خود عمل کنند. اینکه چقدر از این ابزار می‌توان برای رسیدن به توزیع برابرتری از پول میان افراد جامعه استفاده کرد، نامشخص است.

به‌طور کلی ماهیت و شدت جدایی‌گزینی با توجه به متغیرهای برد متوسطی مانند توپوگرافی، ماهیت بازار زمین، زیرساخت‌های حمل و نقل، سازماندهی ساختار صنعت، توزیع درآمد درون شهر، شکاف‌های قومی و میزان دخالت دولت در شهرهای مختلف تغییر می‌کند [16].

ساختار اجتماعی: از آنجا که بسیاری پایگاه اقتصادی و اجتماعی را به‌تنهایی در جدایی‌گزینی موثر نمی‌دانند و عوامل دیگر مثل مولفه‌های قومی و مذهبی را در آن دخیل می‌بینند، رابطه بین محل سکونت و قومیت نیز باید بررسی شود [3]. در یک نگاه، می‌توان گفت در دوران معاصر این جدایی‌گزینی به نظر غیرقابل اجتناب است. هر چند دلایل اصلی آن وضعیت اجتماعی- اقتصادی گروه‌های مختلف اجتماعی است، اما پیامدهای محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن بسیار گسترده‌تر از دلایل اولیه اقتصادی است.

مردم براساس دیدگاه‌های نژادی، قومی و نیز سطح اعتماد خود، محل زندگی خود را انتخاب می‌کنند. افراد دارای اعتماد یا افراد با مدارای اجتماعی بیشتر، به احتمال بیشتر از میان گروه‌های مختلف و متفاوت دوستانی برمی‌گزینند، اما افراد بی‌اعتماد از چنین ارتباطها و تعامل‌هایی با افراد گروه‌های دیگر پرهیز می‌کنند [17]. اعتماد بیشتر به گروه خودی و برقراری تعاملات بیشتر به‌صورت انحصاری در گروه خودی که امری طبیعی است، موجب احتمال انتخاب محل زندگی تفکیک‌شده از گروه‌های نژادی و قومی دیگر می‌شود.

نظام مدیریت شهری: نظام‌های توزیع مسکن تحت چنین شرایطی ممکن است بتواند جدایی‌گزینی جمعیتی را کاهش دهند. با این حال، اگر یکی از این شرایط برآورده نشود، به احتمال زیاد شاهد افزایش جدایی‌گزینی خواهیم بود [18].

به‌طور کلی عوامل اقتصادی و اجتماعی شرایطی را بر مادرشهر تحمیل می‌کند که به شکل‌گیری الگوهای همگرایی یا واگرایی فضایی می‌انجامد و به‌واسطه برنامه‌های دولتی یا نیروهای اقتصادی تقویت یا تضعیف می‌شود. در این فرآیند، شهر مانند قطعات موزاییک به جهان کوچکی از جهان بزرگ ما تبدیل می‌شود که بسیار نفوذناپذیر می‌نماید [19].

امروزه، به‌دلیل گسترش مفاهیم برابری و کیفیت زندگی، مباحث درخور توجهی درباره عواملی مانند جدایی‌گزینی سکونتی مطرح شده است که به توزیع نابرابر خدمات عمومی در شهر منجر می‌شود [20].

به‌طور کلی عوامل عمده موثر بر جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی در شهرها شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، سیاسی، مدیریت شهری و مانند آن هستند که با یکدیگر پیوند داشته و بر هم تاثیر می‌گذارند. بررسی نظریه‌های مطرح‌شده درباره جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی نشان می‌دهد که بیشتر به عوامل اجتماعی- اقتصادی ایجادکننده جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی توجه شده است. در صورتی که همان‌طور که قبلاً گفته شد، عوامل کالبدی و مدیریت شهری تاثیر بسزایی در جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی دارد. عوامل اجتماعی- فرهنگی (مانند قومیت و نژادهای مختلف، نحوه قشریندی اجتماعی، پایگاه طبقاتی، هویت، فاصله اجتماعی)، عوامل سیاسی (مانند رویکرد دولت به مفهوم جدایی‌گزینی، نحوه دخالت دولت در توزیع درآمد، نحوه توزیع

منابع و فرصت‌ها)، عوامل اقتصادی (نظام بازار، درآمد، موقعیت‌های شغلی، بیکاری و مانند آن) و نظام مدیریت شهری (نظام مسکن، اجرای پروژه‌های شهری، نحوه توزیع خدمات و کاربری‌های اراضی شهری، نحوه محله‌بندی و نظیر آن) و عوامل کالبدی (عوامل طبیعی مثل رودخانه و کوه و غیره و عوامل مصنوعی مثل بزرگراه، راه‌آهن و مانند آن)، همه این عوامل می‌توانند بر جدایی‌گزینی و نحوه شکل‌گیری آن تاثیر داشته باشند. به‌طور خلاصه در مطالعه حاضر با استفاده از نظریه‌ها و مطالعات مرتبط شاخص‌های مورد استفاده به‌منظور محاسبه میزان جدایی‌گزینی تعیین و پس از آن الگوریتم‌های مرتبط برای محاسبه میزان جدایی‌گزینی معرفی شدند. در انتها محله فدک و کرمان به‌عنوان نمونه موردی مطرح و میزان جدایی‌گزینی در این دو محله محاسبه شد.

هدف مطالعه حاضر شناسایی عوامل موثر بر جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی و بررسی این عوامل در محله فدک و کرمان واقع در منطقه ۸ شهرداری تهران بود.

ابزار و روش‌ها

مطالعه کاربردی حاضر در سال ۱۳۹۵ و در تهران انجام شد، از جامعه آماری ۴۹۰۶۱ نفر با بعد خانوار ۳، ۵۲ خانوار با سطح اطمینان ۹۰٪ و شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. پرسش‌نامه بین بلوک‌ها به‌صورت تصادفی توزیع شد و از هر خانوار یک نفر به پرسش‌نامه پاسخ دادند.

لازم به ذکر است که بیشتر اطلاعات مورد استفاده از سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار به دست آمد و تنها بخش کمی از اطلاعات بر اساس اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه‌ها بود.

پرسش‌نامه استفاده‌شده ۷۱ سؤال به صورت باز و بسته داشت و در آن مقیاس‌های اندازه‌گیری اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای به کار رفت. برای متغیرهای اسمی نیز از مقیاس گاتمن و سئوالات چندگزینه‌ای، برای متغیرهای ترتیبی از سئوالات چندگزینه‌ای و یا سئوالات باز و برای متغیرهای فاصله‌ای از طیف لیکرت استفاده شد. سئوالات به دو صورت باز و بسته طراحی شدند و پس از پرسیدن پرسش‌نامه‌ها کدگذاری آنها صورت گرفت. کدگذاری در سئوالات بسته بسیار راحت بود. اما در سئوالات باز پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های پرشده، سئوالات دسته‌بندی و امتیازدهی شدند. در مورد نحوه امتیازدهی به سئوالات مثبت به‌صورت صعودی امتیاز داده شد و امتیازدهی به سئوالات منفی برعکس سئوالات مثبت بود. برای بررسی روایی پرسش‌نامه از روش روایی محتوایی استفاده شد. بنابراین با ۴ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه‌های سراسری تهران محتوی پرسش‌نامه بررسی و روایی آن در حد مطلوب ارزیابی شد. بررسی پایایی پرسش‌نامه با روش محاسبه آلفای کرونباخ انجام شد و مقدار آلفای کرونباخ برای داده‌های استانداردشده آن معادل ۷۱/۲ به دست آمد. این میزان نشان‌دهنده اعتبار پرسش‌نامه در حد مطلوب بود.

در مطالعه کاربردی حاضر متغیر وابسته میزان جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی و متغیرهای مستقل شامل موارد زیر بودند:

ویژگی‌های فردی- خانوادگی: سن سرپرست خانوار، بعد خانوار، میزان تحصیلات، شغل، موقعیت شغلی، مذهب، اصالت، قومیت، احساس پیشرفت اجتماعی سرپرست خانواده در سال‌های آینده، درآمد خانواده

حس تعلق مکان: میزان علاقه‌مندی به منطقه مسکونی، مدت زمان زندگی در محله فعلی

عامل)، درصد واریانس هر یک از عامل‌ها و درصد تجمعی کل واریانس‌ها بود.

براساس ماتریس مقدماتی محاسبه‌شده تمامی متغیرها در چهار عامل خلاصه شده‌اند. با توجه به اینکه شاخص‌های دو عامل اول اهمیت بسیاری داشتند و ۵۳٪ واریانس‌ها را توضیح می‌دادند، لذا از دستور محدودکردن عامل‌ها استفاده شد و با وارد کردن تعداد عامل‌ها (عدد ۲)، نرم افزار عامل‌ها را به دو عامل اصلی دسته‌بندی کرد. عامل اول در حدود ۳۶/۷۵٪ کل واریانس مجموعه شاخص و عامل بعدی نیز ۱۵/۶۷٪ واریانس شاخص‌ها را تبیین کردند. علاوه بر این، کل واریانس تبیین‌شده توسط مجموعه دو عامل از مجموعه شاخص‌ها نیز با ۵۲/۴۲٪ برابر بود (جدول ۱).

با توجه به میزان همبستگی هر یک از شاخص‌ها، می‌توان اسامی یا عناوین مناسبی برای هر یک از آنها انتخاب کرد که شامل موارد زیر بودند:

عامل اول: مقدار ویژه این عامل ۵/۸۸۱ بود که به تنهایی ۳۶/۷۵۳٪ واریانس را محاسبه و توضیح کرد. در این عامل بیشترین تعداد شاخص یعنی ۱۲ شاخص به شرح زیر بارگذاری شدند:

نرخ اشتغال، میانگین عمر ساختمان، میانگین درآمد، میانگین قیمت زمین، درصد افراد تحصیلکرده، سطح تحصیلات (براساس تعداد سال‌های تحصیلی)، تعداد فرد در اتاق، سرانه مسکونی، میزان فاصله زمانی به کاربری‌های مهم میزان فاصله مکانی به کاربری‌های مهم، قومیت (میزان درصد افراد آذری زبان و فارس)

عامل دوم: مقدار ویژه این عامل ۲/۵۰۸ بود و توانست ۱۵/۶۷۲٪ واریانس را به خود اختصاص دهد. در این عامل پنج شاخص شامل درصد افرادی که از محل سکونت رضایت داشتند، مدت زمان سکونت در محله، میزان تمایل به سکونت در محله، میزان فاصله زمانی به کاربری‌های مهم، میزان فاصله مکانی به کاربری‌های مهم، بارگذاری شدند (جدول ۲).

میزان جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی در نمونه موردی مورد نظر بسیار پایین مشاهده شد، بنابراین این دو محله از نظر اجتماعی، اقتصادی، کالبدی بسیار شبیه به همدیگر بودند (جدول ۳).

جدول ۱ درصد واریانس و مقادیر ویژه عامل‌های مختلف (مجموع واریانس توضیح داده‌شده)

مولفه	مقدار ویژه اولیه		مقدار ویژه عوامل استخراجی بدون چرخش	
	درصد کل	درصد واریانس	درصد کل	درصد واریانس تجمعی
۱	۵/۸۸۱	۳۶/۷۵۳	۵/۸۸۱	۳۶/۷۵۳
۲	۲/۵۰۸	۱۵/۶۷۲	۲/۵۰۸	۵۲/۴۲۶
۳	۱/۶۰۳	۱۰/۱۰۶		۶۲/۴۴۲
۴	۱/۳۳۴	۸/۳۴۰		۷۰/۷۸۲
۵	۰/۹۳۱	۵/۸۱۷		۷۶/۵۹۹
۶	۰/۷۱۹	۴/۴۹۱		۸۱/۰۹۰
۷	۰/۶۷۳	۴/۲۰۹		۸۵/۲۹۸
۸	۰/۵۳۰	۳/۳۱۵		۸۸/۶۱۳
۹	۰/۴۴۲	۲/۷۶۴		۹۱/۳۷۷
۱۰	۰/۴۲۶	۲/۶۶۳		۹۴/۰۴۰
۱۱	۰/۳۰۸	۱/۹۲۶		۹۵/۹۶۵
۱۲	۰/۲۸۰	۱/۷۴۹		۹۷/۷۱۴
۱۳	۰/۱۵۵	۰/۹۶۶		۹۸/۶۸۰
۱۴	۰/۰۹۵	۰/۵۹۵		۹۹/۲۷۵
۱۵	۰/۰۷۹	۰/۴۹۶		۹۹/۷۷۱
۱۶	۰/۰۳۷	۰/۲۲۹		۱۰۰/۰۰۰

روش استخراج: تحلیل مولفه‌های اصلی (PCA)

نظام مسکن: دسترسی به اعتبارات بانکی برای خرید خانه، میزان گرایش به مسکن فعلی، قیمت زمین و مسکن، تعداد خانه‌های خالی، کیفیت و قدمت خانه مسکونی، تراکم مسکونی، نوع مالکیت مسکن

عوامل کالبدی: نحوه دسترسی به کاربری‌های مهم، نحوه توزیع کاربری‌ها در محله، میزان رضایت ساکنان از توزیع کاربری‌های اراضی و نحوه دسترسی به آنها، عدالت فضایی و غیره

محله فدک و کرمان به‌عنوان نمونه موردی مطرح و میزان جدایی‌گزینی در آنها محاسبه شد.

نمونه موردی: دو محله کرمان و فدک واقع در شهرداری منطقه ۸ تهران به دلیل ایفای نقش به‌عنوان یک محله اجتماعی و داشتن ساختار خوب اجتماعی انتخاب شدند. این دو محله سکونت پایدار، امن، هویتمند و خوانا که تعادل و پیوند مناسب و کنترل‌شده‌ای با کل منطقه و شهر دارند و به دلیل برخورداری از زیرساخت‌ها، تاسیسات شهری، فضاهای سبز و باز شهری و فضاهای گوناگون جمعی، محیطی با اصالت، با هویت اجتماعی- فرهنگی، پایدار، سرزنده و فعال برای ساکنانش به شمار می‌آید. ساکنین این دو محله ارتباط زیادی با یکدیگر داشته‌اند و به دلیل پراکنش نامتعادل کاربری در این محدوده و به‌ویژه قرارگیری کاربری‌های مهم در محله فدک، ارتباط بین این دو محله زیاد است.

برای بررسی عوامل موثر در جدایی‌گزینی این دو محله از شیوه تحلیل عاملی استفاده شد. بدین‌منظور ابتدا تمامی داده‌ها با استفاده از شیوه رفع اختلاف مقیاس، همسان شدند. سپس شیوه تحلیل عاملی در آنها اعمال و پس از آن با نرم‌افزار Geo Segregation Analyzer، میزان جدایی‌گزینی در نمونه مورد نظر محاسبه شد.

داده‌های مربوط به پرسش‌نامه و داده‌های حاصل از مرکز آمار ایران در محدوده مورد نظر وارد نرم‌افزار SPSS 18 شدند. چون شاخص‌ها مقیاس‌های یکسانی نداشتند، از روش رفع مقیاس استفاده شد. برای انجام بهتر محاسبات با شاخص‌های کمتر، به کمک تحلیل عاملی در نرم‌افزار SPSS 18 تعداد شاخص‌ها به دو عامل اصلی کاهش یافت. سپس امتیازات عاملی به‌عنوان ورودی اطلاعات متصل به نقشه در نرم‌افزار Arc GIS 10.5 استفاده شدند و نقشه نهایی برای محاسبه میزان جدایی‌گزینی وارد نرم‌افزار Geo Segregation Analyzer 1.2 شد.

برای جمع‌آوری اطلاعات از شیوه پرسشگری استفاده شد. آزمون‌های کیس-مایر-الکین (kmo) و بارتلت به‌کار رفتند و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS 18 استفاده شد.

میزان جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی بین صفر تا یک است. هر چه این مقدار به یک نزدیک شود، میزان جدایی‌گزینی بیشتر و هر چه به صفر نزدیک شود، میزان جدایی‌گزینی کمتر است. عدد صفر نشان‌دهنده عدم جدایی‌گزینی و عدد یک نشان‌دهنده جدایی‌گزینی کامل یا شدید است.

براساس آزمون کیس میرالکین داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب بودند (زیرا مقدار سنجه kmo برابر با ۰/۷۵۳ بود که بیشتر از ۰/۵ است)، همچنین مقدار معنی‌داری آزمون بارتلت صفر به دست آمد که وجود همبستگی معنی‌دار بین متغیرها را نشان داد.

یافته‌ها

اولین ماتریس تحلیل عاملی، ماتریس محاسبات مقدماتی شامل فهرست متغیرها، مشترکات آنها، مقادیر ویژه (شامل واریانس یک

متغیرها	مؤلفه ۱	مؤلفه ۲
درصد آذری زبان‌ها	۰/۶۹۹	
درصد فارسی‌ها	۰/۵۴۰	
زمان دسترسی کمتر شده	۰/۵۷۸	۰/۵۳۹
دسترسی بهتر	۰/۶۱۰	۰/۵۱۲
رضایت بیشتر افراد ساکن		۰/۸۳۳
پیشرفت بیشتر		
تمایل به ادامه اقامت		۰/۸۰۳
مدت اقامت		۰/۶۱۹
میانگین قیمت زمین	۰/۶۲۹	
میانگین درآمد	۰/۷۴۰	
وضعیت تحصیلی	۰/۷۶۶	
میزان افراد تحصیل کرده	۰/۷۳۳	
تعداد فرد در اتاق	۰/۸۲۳	
سرانه مسکونی	۰/۹۰۴	
میانگین عمر ساختمان	۰/۶۵۵	
نرخ اشتغال	۰/۵۲۰	

روش استخراج: تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA)

محل‌هایش تعریف می‌شود و مانند سامانه کلانی است که محل‌های آن سامانه‌های خرد آن هستند. اگر ارتباط درستی بین سامانه‌های خرد آن برقرار نباشد، فعالیت‌های سامانه کلان (شهر) مختل می‌شود. اگر ارتباطات خارجی بین محل‌ها وجود نداشته باشد، مشارکت مدنی دچار اختلال می‌شود و مدیریت چنین شهری بسیار دشوار می‌شود. بنابراین باید درصد کاهش میزان جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی در محل‌های شهری بود. از محدودیت‌های مطالعه حاضر نداشتن اطلاعات جامع در مورد شهر بود و پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده تاثیر شبکه بزرگراه‌های درون‌شهری بر کل شهر بررسی شوند.

نتیجه‌گیری

در محله فدک و کرمان جدایی‌گزینی رخ نداده است و این دو محله و ساکنان آن از نظر اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بسیار به هم شبیه هستند و ساکنان آنها از قدیم با یکدیگر ارتباطات بسیاری داشته‌اند.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

سهم نویسندگان: سمانه جلیلی صدرآباد (نویسنده اول)، نگارنده مقدمه/روشن‌شناس/پژوهشگر اصلی/تحلیلگر آماری/نگارنده بحث (۷۰٪)؛ اسماعیل شیعه (نویسنده دوم)، نگارنده مقدمه/پژوهشگر کمکی/نگارنده بحث (۲۰٪)؛ مصطفی بهزادفر (نویسنده سوم)، روشن‌شناس/پژوهشگر کمکی (۱۰٪)

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

منابع

- 1- Rahnema MR. Urban spatial-local separation under the old texture of Mashhad city. J Fac Lett Humanit Mashhad. 1998;31(1-2):200-18. [Persian]
- 2- Afrugh E. Poverty and social inequality: A study on spatial separation and the focus of poverty in Tehran's residential neighborhoods [Dissertation]. Tehran: Tarbiat Modares University; 1997. [Persian]
- 3- Aezam Azadeh M. How to residential separation in Tehran. Q Humanit Alzahra Univ. 2003;(44-45):25-50. [Persian]
- 4- Jaliliasdrabad S, Behzadfar M, Shieh E. Survey of social-spatial segregation of educational, income, occupational, and ethnic groups by geo segregation analyzer software, case study: Kerman neighborhood in Tehran. Int J Urban Rural Manag. 2018;17(50):461-70. [Persian]
- 5- Anderson R, BråmÅ Å, Holmqvist E. Counteracting segregation: Swedish policies and experiences. Hous Stud. 2010;25(2):237-56.
- 6- Park R. The urban community as a spatial pattern and a moral order. Russ Social Rev. 2006;5(1):11-8.
- 7- Gans HJ. People, plans, and policies: Essays on poverty, racism, and other national urban problems. New York: Columbia University Press; 1994.
- 8- Parkin F. Social closure and class formation. Classes, power and conflict: Classical and contemporary debates. Giddens A, Hall D, editors. London: Macmillan; 1982. pp. 175-85.
- 9- Jaefari E. Informal habitation phenomenon in Tehran's urban area, cace: Bagher Shahr [Dissertation]. Tehran: Shahid Beheshti University; 2004.
- 10- Wassmer RW. An economic view of some causes of

جدول ۳) میزان جدایی‌گزینی براساس شاخص‌های مختلف بین دو محله فدک و کرمان واقع در منطقه ۱ شهرداری تهران در سال ۱۳۹۵

عوامل	شاخص‌های جدایی‌گزینی		
	ضریب چینی	ضریب آتروپی	شاخص جدایی‌گزینی
عامل اول	۰/۱۹۵۰	۰/۱۰۶	۰/۱۳۶۱
عامل دوم	۰/۳۷۷۶	۰/۰۳۳۲	۰/۲۷۹۲

بحث

هدف مطالعه حاضر شناسایی عوامل موثر بر جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی و بررسی این عوامل در محله فدک و کرمان واقع در منطقه ۸ شهرداری تهران بود.

با بررسی مطالعات پیشین و نظریه‌های صاحب‌نظران می‌توان نتیجه گرفت که جدایی‌گزینی اجتماعی به دو صورت اجباری و اختیاری صورت می‌گیرد. گروه‌های اجتماعی برحسب قومیت، ملیت، مذهب و اعتقادات عموماً هر یک شرایط ویژه‌ای دارند. نتیجه این مورد در قالب اقلیت‌های مختلف به ایجاد محل‌های جدا از شهر منجر شده و جدایی‌گزینی در شهرها را دامن می‌زند^[21] و عامل دیگر درآمد خانوارهاست. درآمد خانوارها در انتخاب نوع مسکن مورد نیاز موثر است. درآمد خانوارها در استفاده از تاسیسات زیربنایی و استقرار در محل‌های جداگانه، جدایی‌گزینی اجتماعی را باعث می‌شود^[21]. هر دو این مورد را می‌توان در دسته جدایی‌گزینی اختیاری دسته‌بندی کرد. ولی در جدایی‌گزینی به‌صورت اجباری دولت‌مندان و مدیران شهری با توجه به سیاست‌های اعمال‌شده به تقویت نابرابری اجتماعی پرداخته و افراد به اجبار به محل‌هایی خاص می‌روند. هنگامی مشکلات چندبرابر می‌شود که ساکنان محله خواستار این جدایی‌گزینی از محله‌های اطراف باشند. در صورتی که جدایی‌گزینی فضایی و مکانی به جدایی کامل گروه‌ها و اقشار اجتماعی منجر شود، تعاملات و تماس‌های درون‌گروهی شدت پیدا می‌کند و در مقابل ارتباطات خارجی آنها کاهش می‌یابد. در این صورت مشارکت مدنی دچار اختلال شده و فرهنگی محلی و محدود جایگزین آن می‌شود. نتیجه چنین حالتی قطبی‌شدن فضای اجتماعی محله است. حتی ساکنان محله به راه‌های گوناگون از ارتباط و تماس اجتماعی با ساکنان دیگر محله‌ها ممانعت می‌کنند. پیامد چنین وضعیتی روابط اخلاقی و اجتماعی و فرهنگ مشارکتی و در مقابل ایجاد فاصله اجتماعی و رشد فرهنگ منفعل و تبعی است^[3]. شهر با

what has changed in the post-fordist U.S. city. *Urban Aff Rev.* 1997;33(2):228-64.

16- Roberts BR, Wilson RH, editors. *Urban segregation and governance in the Americas*. London: Palgrave Macmillan; 2009.

17- Uslaner EM. Segregation, mistrust and minorities. *Ethnicities*. 2010;10(4):415-34.

18- Musterd S, De Winter M. Conditions for spatial segregation: Some European perspectives. *Int J Urban Reg Res.* 1998;22(4):665-73.

19- Kaplan HD, Holloway S. *Urban geography*. 3rd Edition. Hoboken: Wiley; 2014.

20- Meshkini A, Rahimi H. Spatial segregation in metropolis: an analysis of social geography of Tehran metropolis. *Spat Plan (Modares Hum Sci)*. 2011;15(4):87-107. [Persian]

21- Shieh E. *A look at the industrial development of cities: Ahang Sanat, Avaye Shahr*. Tehran: Iran University of Science & Technology; 2010. p. 201. [Persian]

urban spatial segregation and its costs and benefits [Internet]. Sacramento: California State University; 2002 [cited 2016 January 21]. Available from:

<https://pdfs.semanticscholar.org/4567/d00a0d4d62e11ce27e6be836cde719257891.pdf>.

11- Hamnett C. Social polarization, economic restructuring and welfare state regims. *Urban Stud.* 1996; 33(8);1407-30.

12- Ley, D. & Smith, H. Relations between deprivation and immigrant groups in large Canadian cities. *Urban Stud.* 2000;37(1);37-62.

13- Hirsch AR. *Making the second ghetto: Race and housing in Chicago, 1940-1960*. Chicago: University of Chicago Press; 1998.

14- Massey DS, Denton NA. *American apartheid: Segregation and the making of the underclass*. Cambridge: Harvard University Press; 1993.

15- Marcuse P. *The enclave, the citadel, and the ghetto*,